**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه94– 21/ 7/ 1397 آیات سوره1-7 طلاق /آیات عده در قرآن /کتاب العدد**

خلاصه بحث:

در جلسه گذشته استاد معظم اقوال فقهاء را به صورت مفصل شرح داده، به وجه هر یک از آنها اشاره کردند. همچنین ایشان در ادامه مباحث، مختار خود را در مسئله ارائه دادند. در این جلسه اقوالی دیگر در ذیل این آیات بیان می‌شود. با توجه به اختلاف اقوال و عدم اجماع در مسئله، حضرت استاد به بررسی معنای ظاهری آیه می‌پردازند. ایشان در ادامه معنای آیه را با توجه به روایات و آیات دیگر بیان خواهند کرد.

**اقوالی دیگر ذیل فقره «الا ان یأتین بفاحشه مبینه»**

در جلسه گذشته نسبت به فقره «**الا ان یأتین بفاحشة مبینه**» شش قول را بیان کردیم. همچنین قولی را از تفسیر تبیان و تفسیر مجمع البیان ذکر کردیم. در این دو کتاب در بخش دیگری قول هفتمی ذکر شده است. در کتاب تبیان جلد2، ص73 و در مجمع البیان ج1 ص460 چنین آمده است:

«**کل ما لا یوافق الحق فهو فاحشه و قوله «الا ان یأتین بفاحشهٍ مبیّنه» معناه خروجها من بیتها بغیر اذن زوجه المطلّق لها**».

این عبارت روشن نیست. این احتمال وجود دارد که این عبارت به همان مطلبی که ما سابقا در رابطه با استثنای منقطع بیان کردیم، اشاره داشته باشد.

یکی از اقوالی که ما از مفسرین نقل کردیم، این بود که مراد از فاحشه نشوز باشد. سید یزدی8 نیز فرموده بودند از آنجا که زنا یکی از مصادیق نشوز است، موجب سقوط حق سکنی می‌شود. لکن در کلمات قدماء مفسرین فاحشه، به معنای مطلق نشوز وارد نشده است. البته در کتاب جامع البیان طبری ذیل حدیث 2886 از قتاده چنین نقل شده است: «اگر مرد به جهت نشوز زن (نشوز قبل از طلاق) او را طلاق دهد، زن بعد از طلاق حق سکنی نخواهد داشت. در قول دیگری که مشابه قول شیخ طوسی8 است چنین آمده است: «**الخروج عن بیتها خروج انتقال فمتی فعلت ذلک سقط حقها فی السکنی**[[1]](#footnote-1)». در کتاب التسهیل لعلوم التنزیل پنج قول از مفسرین نقل شده است:

**اختلف فی هذه الفاحشة التی‏ أ باحت‏ خروج‏ المعتدة ما هی؟ علی خمسة أقوال:الأول أنها الزنا فتخرج لإقامة الحدّ، قاله اللیث بن سعد و الشعبی. الثانی أنه سوء الکلام مع الأصهار فتخرج و یسقط حقها من السکنی، و یلزمها الإقامة فی مسکن تتخذه حفظا للنسب، قاله ابن عباس و یؤیده قراءة أبی بن کعب، إلا أن یفحشن علیکم. الثالث أنه جمیع المعاصی من القذف و الزنا و السرقة و غیر ذلک، فمتی فعلت شیئا من ذلک سقط حقها فی السکنی، قاله ابن عباس أیضا و إلیه مال الطبری**[[2]](#footnote-2) **الرابع أنه الخروج عن بیتها خروج انتقال فمتی فعلت ذلک سقط حقها فی السکنی قاله ابن الفرس: و إلی هذا ذهب مالک فی المرأة إذا نشزت فی العدة، الخامس أنه النشوز قبل الطلاق، فإذا طلقها بسبب نشوزها فلا یکون علیه سکنی قاله قتادة**.[[3]](#footnote-3)

این اقوال در کتاب البحر المحیط ابوحیان نیز آمده است لکن به نظر می‌رسد که از کتاب جامع البیان طبری برگرفته شده است.

**بررسی ظاهر آیه**

از تعدد این اقوال استفاده می‌شود که در مسئله اجماع خاصی وجود ندارد. از این رو باید به ظاهر آیه و نیز آیاتی که در آن کلمه "**فاحشه مبینه"** و یا کلمه "**فاحشه**"، ذکر شده است توجه نمود تا معنای آیه روشن شود. عسکری (متوفی 395) در کتاب الوجوه و النظار نسبت به کلمه «فاحشه» می‌گوید:

**«اصلها المبالغه فی القبح. الفاحشه فی القرآن علی اربعه وجوه الاول ما حرّم اهل الشرک فی الجاهلیه ... الثانی الزنا ... الثالث اتیان الرجال فی اتبارهم ... الرابع علی قول بعض المفسرین النشوز قال الله الا ان یأتین بفاحشهٍ مبیّنه. قال هی النشوز و عندنا انّه الزنی و ما یجری مجراه من قبح**[[4]](#footnote-4) **المعاصی. لانه لا تکاد العرب تسمی بالفاحشه الا کل ذنبٍ شدید القبح لازم العار و لیس النشوز مما یجری علیه اسم الفاحشه**.»[[5]](#footnote-5)

گرچه به نظر می‌رسد «**فاحشه**» معصیت شدیدی است و مطلق معصیت نیست اما اینکه ایشان این قیود را (**لازم العار**) نسبت به فاحشه بیان کرده است چندان روشن نیست. همانطور که ما سابقا عرض کردیم، به نظر می‌رسد «**فاحشه**» گناهی است که اساس زندگی را مختل می‌کند. این احتمال به صورت جدی وجود دارد که فاحشه مربوط به گناه‌هایی است که با سکنی ارتباط دارد و موجب از بین رفتن آرامش خانه می‌شود؛ مانند **البذاء علی اهلها** که در روایات به آن اشاره شده است. قدر متیقن آیه نیز تنها بر این مقدار دلالت دارد و بیش از این مقدار از آیه استفاده نمی‌شود. بلی خروج زن از خانه به جهت اجرای حدّ زنا اشکالی ندارد؛ زیرا آیه ناظر به موارد اختیاری است اما مواردی مانند اجرای حدّ که ناظر به صورت اضطراری است از ذیل این آیه خارج است. از این رو به نظر می‌رسد کلام ابوالصلاح حلبی در کافی صحیح است. ایشان فرموده بودند: دو چیز مجوز خروج است:

1- خروج از خانه به جهت اجرای حدّ. البته اجرای حدّ سبب سقوط حق سکنای زن نمی‌شود چرا که دلیلی بر این نکته وجود ندارد.

2- بد خلقی و سوء خلق که به صورت متعارف زندگی اهل خانه را مختلّ کند.[[6]](#footnote-6)

ابن حمزه8 در کتاب وسیله سوء خلق غیر قابل تحمل را مفروض می‌داند و به این جهت می‌گوید: اگر سوء خلق از طرف زن باشد باید زن خارج شود اما اگر سوء خلق از طرف خویشاوندان مرد باشد، آنها باید خانه را ترک کنند[[7]](#footnote-7).

**مفاد آیات مشابه**

در مقام این سوال مطرح است که مفاد آیات مشابه چیست؟ آیا مفاد آن آیات نیز به همین صورت است یا مفاد دیگری از آنها استفاده می‌شود؟ سوال دوم این است که آیا قرینه‌ای خارجی بر تایید یا تکذیب این معنا وجود دارد؟ همانطور که در جلسه سابق بیان نمودیم، این معانی و این احتمالات مختلف، در سایر آیات نیز وجود دارد. از این رو نکته خاصی از آن آیات به دست نمی‌آید. البته علی بن ابراهیم ذیل آیه 19 سوره نساء (وَلا

تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَیْتُمُوهُنَّ إِلا أَنْ یَأْتِینَ بِفَاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ) عبارتی دارد که قابل ذکر است. ایشان می‌فرماید:

**«إِلَّا أَنْ یَأْتِینَ بِفاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ و هو ما وصفناه‏ فی‏ الخلع‏- فإن‏ قالت‏ له‏ ما تقول‏ المختلعة- یجوز له أن یأخذ منها ما أعطاها و ما فضل.»**[[8]](#footnote-8)

در روایات وارد شده که عبارت‌هایی مانند لا ابرّ قسما و ... مجوز بر خلع می‌شود. ظاهرا ایشان به جهت تناسبات حکم و موضوع، عصیان مرد را ملاک دانسته است لکن بنده روایتی در این زمینه ندیدم که از این آیه چنین معنایی را ارائه داده باشد. بنده کلام علی بن ابراهیم را از این جهت بیان کردم که بگویم برخی علماء در آیات مشابه به تناسب حکم و موضوع معنای مضیقی را ارائه داده‌اند.

در ذیل آیه 30 سوره احزاب (یَا نِسَاءَ النَّبِیِّ مَنْ یَأْتِ مِنْکُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَیِّنَةٍ یُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَیْن)ِ دو روایت وجود داشت که فاحشه را به معنای الخروج بالسیف معنا کرده بود. روایت حریز چنین بود:

**سألت أبا عبدالله7 عن قول الله عزوجل: یانساء النبی من یأت منکن بفاحشة مبینة یضاعف لها العذاب ضعفین قال: الفاحشة الخروج بالسیف**[[9]](#footnote-9).

روایت محمد بن مسلم نیز چنین بود:

**«عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ7، قَالَ: قَالَ لِی : «أَ تَدْرِی مَا الْفَاحِشَةُ الْمُبَیِّنَةُ؟» قُلْتُ: لاَ. قَالَ:«قِتَالُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ7» یَعْنِی أَهْلَ الْجَمَلِ.**[[10]](#footnote-10)

در ذیل این روایات این سوال مطرح می‌شود که چه رابطه‌ای بین فاحشه و الخروج بالسیف وجود دارد؟ به نظر می‌رسد چنین نیست که فاحشه به معنای الخروج بالسیف باشد بلکه با توجه به روایات مذکور، این آیه با بیانی عام، در صدد بیان حادثه‌ای است که در آینده اتفاق خواهد افتاد و نسبت به آن هشدار می‌دهد. در واقع این آیه زنان پیامبر9 را نسبت به گناهی که در معرض وقوع آن هستند، اخافه می‌دهد و به این جهت جزو آیات ملاحم محسوب می‌شود که از آینده اخبار می‌کند. طبق این بیان آیاتی نظیر (وَ قَرْنَ فی‏ بُیُوتِکُنَّ وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّةِ الْأُولی‏ ) صرفا برای بیان قانون نیست بلکه اشاره به مصداقی خارجی دارد که در آینده اتفاق می‌افتد تا جامعه اسلامی نسبت به آن اتفاق برحذر باشند. بنابراین تعبیر «فاحشه مبینه» ناظر به خصوص زنا و امثال آن نیست، بلکه ناظر به گناهان بزرگی مانند خروج بالسیف در مقابل امیر المومنین ع است.

سند روایت حریز چنین است: **«محمد بن احمد حدثنا محمد بن عبد الله بن غالب عن عبد الرحمن بن ابی نجران عن حماد عن حریز قال سألت ابا عبد الله7»** تمامی افرادی که در سند این روایت وجود دارند، امامی ثقه هستند مگر محمد بن عبدالله بن غالب که واقفی المذهب و ثقه است. همچنین در رابطه با محمد بن احمد نیز بحث‌هایی وجود دارد. این روایت در کتاب تفسیر قمی وارد شده که این کتاب، بنا بر تحقیق متعلق به علی بن حاتم قزوینی است. با توجه به قبل و بعد روایت، روشن است که این روایت مورد بحث نیز از روایات علی بن حاتم قزوینی است و به علی بن ابراهیم ارتباطی ندارد. مراد از محمد بن احمد، در روایت‌های علی بن حاتم قزوینی، محمد بن احمد بن ثابت است. در تفسیر علی بن ابراهیم در برخی موارد تعبیر محمد بن احمد بن ثابت آمده است. از این

موارد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: تفسیر قمی جلد 2، صفحه 244 و 303 و 451 و 360 و 370 و 375. در دو مورد نیز به صورت «محمد بن احمد» نقل شده است، یک مورد در سوره فرقان و دیگری در سوره صافات. این دو مورد در جلسه آینده بررسی می‌شود.

**اشاره‌ای به روایت زراره**

سابقا روایتی از زراره بیان کردیم که در آن این تعبیر وجود داشت: «"فخانتاهما" ما یعنی بذلک إلا الفاحشة[[11]](#footnote-11)» مراد از این عبارت چیست؟ ما سابقا عرض کردیم که تعبیر (ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلا لِلَّذِینَ کَفَرُوا اِمْرَأَةَ نُوحٍ وَامْرَأَةَ لُوطٍ کَانَتَا تَحْتَ عَبْدَیْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَیْنِ فَخَانَتَاهُمَا[[12]](#footnote-12)) مقدمه‌ای برای این مطلب است که زنان پیامبر ص نباید نسبت به پیامبر9 عصیان داشته باشند. بحثی که در این آیه وجود دارد این است که مشابه «خانتاهما»یی که در مورد همسر حضرت نوح7 و همسر حضرت لوط7 وجود دارد، در رابطه با همسران پیامبر9 نیز وجود دارد. لکن آن مشابهت چیست که همسران پیامبر9 را شبیه همسران حضرت نوح7 و حضرت لوط7 می‌کند؟ طبق آیه آن مشابهت به جهت فاشحه است. به نظر بنده فاحشه مذکور در این آیه به آیه ﴿یا نساء النبی من یأت منکنّ بفاحشهٍ مبیّنه[[13]](#footnote-13)﴾ اشاره دارد. از این رو این خیانت، خیانتی است که کفر واقعی را به دنبال دارد. لکن زنا و گناهانی مانند آن سبب کفر نیست، بلکه مخالفت عملی با پیامبر9 و اعتقاد نداشتن به ایشان، سبب کفر می‌شود. خروج بالسیف مثالی بارز در عصیان النبی است.

توجه به این نکته لازم است که کفر واقعی، سبب خروج شخص از اسلام ظاهری نیست. در بعض روایات این تعبیر وارد شده که یک کافر الدنیا و یک کافر الآخره وجود دارد. کافر الدنیا کسی است که شهادتین بر زبان جاری نساخته و یا مرتد دنیوی شده است. لکن طبق آن اصطلاح، کل المخالفین، کافر الآخره هستند. مرحوم شیخ مفید8 در کتاب اوائل المقالات، می‌فرماید: اتفقت الطایفه علی کفر المخالفین. کفری که ایشان در آن کتاب مطرح کرده‌اند، کفر آخرتی و کفر کلامی است نه کفر فقهی. بحثی که در آیه مذکور وجود دارد، بحثی کلامی است و فقهی نیست به همین دلیل عقد پیامبر9 با آنها صحیح است. از این رو این روایت و این آیه به فاحشه‌ای که در کلمات برخی مطرح است ارتباط ندارد. این روایت دلالت بر این مطلب دارد که آنها به جهت ظاهر مسلمان تلقی می‌شوند و احکام مسلمان را دارند.

**معنای فاحشه با توجه به قرائن خارجی**

در بحث قرائن خارجی مربوط به آیه، شیخ طوسی8 در کتاب خلاف روایتی را از فاطمه بنت قیس بیان می‌فرماید. ایشان به قرینه این روایت فرموده‌اند مراد از فاحشه، «البذاء علی اهلها» است. مرحوم تستری ره در کتاب النجعه، نقدی بر کلام شیخ8 بیان کرده‌اند. ما در جلسات آینده به این مباحث خواهیم پرداخت.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و ال محمد

1. التسهيل لعلوم التنزيل، ج‏2، ص: 384 [↑](#footnote-ref-1)
2. سابقا عرض کردیم که طبری به این صورت بیان نکرده است. [↑](#footnote-ref-2)
3. التسهيل لعلوم التنزيل، ج‏2، ص: 384 [↑](#footnote-ref-3)
4. به نظر میرسد کلمه صحیح «قبیح المعاصی» است یعنی معصیتهایی که خیلی قبیح است. [↑](#footnote-ref-4)
5. لوجوه والنظائر لأبي هلال العسكري المعتزلي   جلد: 1 ، صفحه : 370 [↑](#footnote-ref-5)
6. الکافی للحلبی، أبو الصلاح الحلبی، ج1، ص312.

   حكم المعتدة في الطلاق الرجعي ملازمة منزل مطلقها، و لا تخرج منه الا باذنه، و لا يخرجها الا أن تؤذيه أو تأتي في منزله ما يوجب الحد فيخرجها لإقامته و يردها اليه، و لا تبيت الا فيه، و يخرجها للأذى من غير رد. [↑](#footnote-ref-6)
7. الوسيلة  جلد: 1 صفحه : 328

   وأقلها أن تؤذي أهل الرجل بلسانها كان للرجل إخراجها عنه إلى غيره، وإن بدأت عليها احماؤها،، لزمها الانتقال عنها دونها وإن كانت في بيت منفرد لم يلزم الانتقال عنه، وإن وجب عليها الحد حدت خارجه وردت إليه. [↑](#footnote-ref-7)
8. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، ج1، ص134. [↑](#footnote-ref-8)
9. تفسير نور الثقلين  جلد : 4  صفحه : 268 [↑](#footnote-ref-9)
10. البرهان في تفسير القرآن  جلد : 4  صفحه : 441 [↑](#footnote-ref-10)
11. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج2، ص402. [↑](#footnote-ref-11)
12. سوره تحریم آیه 10 [↑](#footnote-ref-12)
13. سوره احزاب آیه 30 [↑](#footnote-ref-13)